

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)

سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، پیاپی ۲۵

علامه محمد حسین فضل الله و اندیشه همزیستی اجتماعی در تفسیر آیات قرآن

مرضیه محمص^۱

کاظم قاضی زاده^۲

محمد علی ایازی^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۲/۰۸

تاریخ تصویب: ۹۲/۰۶/۱۳

چکیده

محمد حسین فضل الله از جمله مهمترین مفسران معاصر محسوب می شود که از حوزه جغرافیایی لبنان برخواسته و با هدف ارائه اصول کلی حاکم بر نظام اجتماعی اسلام، با شیوه ای تحلیلی و اجتهادی، آیات قرآنی را پردازش نموده است. این مقاله در چهار بخش به

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

Mohases2012@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

Ghazizadeh_kazem@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

Ayazi1333@Gmail.com

بررسی موضوع همزیستی اجتماعی به عنوان یکی از ظرفیت های نظام اجتماعی قرآنی پرداخته است. مهمترین یافته های این مطالعه از رهگذر استخراج مبانی گرایش به همزیستی اجتماعی در اندیشه علامه فضل الله این است که وی متأثر از شاکله اجتماعی لبنان به سبب گوناگونی ادیان، طوایف و نژادها، مصادیق همزیستی اجتماعی را در حوزه تعاملات فردی، دینی و بین المللی بسیار توسعه بخشیده است.

واژه های کلیدی: علامه محمد حسین فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، همزیستی اجتماعی.

مقدمه

اندیشه اجتماعی مسلمانان، اندیشه و تفکری دین مدار است؛ در این منظومه، متون دینی در موقعیتی کانونی قرار دارند. اندیشمندان مسلمان همواره تأملات خود را بر محور دین تنظیم و ارائه کرده اند. فهم آنان از قرآن کریم به مثابه پیکره اصلی دین اسلام، تأثیر بسیاری بر عملکرد فردی و اجتماعی آنان بر جای گذاشته است. تأملات نظری اندیشمندان در مواجهه با اندیشه های جدید و متأثر از تحولات نوین، به فهم جدیدی از متون دینی منتهی شده است. بی تردید اگر بپذیریم که تحولات اجتماعی بر شکل گیری اندیشه ها و تحول آنها اثرگذار است، فهم مفسران معاصر قرآن کریم نیز متأثر از پیش فرض ها و پیش دانسته های کنونی آنان تحول یافته است.

مطالعه سیر اندیشه های صاحب نظران معاصر در حوزه جغرافیایی کشورهای عربی، اثرگذاری رخدادهای اجتماعی بر اندیشه های دینی آنان را آشکار می سازد. در حوزه کشورهای عربی، رویارویی مسلمانان با تمدن غرب به ویژه در قرن نوزدهم میلادی، انحطاط خلافت عثمانی و ورود فرانسوی ها به الجزایر (۱۸۳۰م)، عقب ماندگی آنان را در عرصه های مختلف نمایان ساخت (روآ، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

تلاش های فکری مسلمانان با رهیافت های مختلف در جهت سبب شناسی مسئله انحطاط، جریان های فکری متعددی را پدید آورد. یکی از جریان های فکری که ضمن پذیرش مرجعیت دین در زندگی سیاسی و اجتماعی، سازگاری دین با رخداد های جدید را دنبال می کرد توسط سید جمال الدین اسدآبادی و شاگرد او محمد عبده پایه ریزی شد (امین، ۱۳۷۶، ص ۶۳). دیدگاه های او تاثیر بسیاری بر انفتاح اجتهاد در اندیشه صاحب نظران عرب بر جای گذاشت. شیخ محمد رشید رضا تلاش فکری عبده در فهم دین را ادامه می دهد و بر نقش حاکمان کشورهای اسلامی در غفلت مسلمانان از معنای راستین دین تمرکز می نماید (خدوری، ۱۳۶۶، ص ۷۸). رشد اندیشه های اجتماعی و ورود جریانات فکری گوناگون به ممالک اسلامی، رویکرد به قرآن کریم را نیز متحول ساخت و تکامل بینش مفسران در عرصه ارائه تفسیری روزآمد را سبب گردید.

در این راستا تفسیر قرآن با گرایش اجتماعی، به عنوان یکی از شیوه های تفسیر معاصر، با استمداد از تعقل و اجتهاد، در جهت تقریب قرآن به فهم همگان و انطباق آن با واقعیات موجود، متکفل پاسخگویی به موضوعات روزآمد گردید. این حرکت تفسیری جدید، نقش مهمی در اعطای آگاهی های اجتماعی با الهام گیری از نص و حیانی داشت. مدت مدیدی درنگ در موضوع اصلاح اجتماعی و مسائل مرتبط با آن؛ از جمله مسئله زن، حجاب، تعدد زوجات، آزادی، اندیشه مفسران جدید را به خود مشغول نمود. تدوین نظریه اقتصادی اسلام در پرتو شریعت و در عین حال متناسب با پیشرفت های اقتصادی جوامع، به طور گسترده در تفسیر المنار مورد مذاقه قرار گرفت. تطبیق نوآوری های علمی با متون قرآنی هرچند در قالب تأویلاتی افراطی در تفسیر طنطاوی به وضوح مشاهده می شود.

در ادامه این نهضت تفسیری، از جمله مفسران شیعی که در مقایسه با گذشتگان، در محدوده فراخ تری به استنطاق قرآن پرداخت؛ سید محمد حسین فضل الله (۱۳۱۴ق) از مراجع تقلید شیعه در لبنان است. وی در تفسیر «من وحی القرآن» با شیوه ای تحلیلی و اجتهادی تنها به نقل و جمع اقوال پیشینیان در عرصه تفسیر بسنده ننموده، بلکه با اسلوبی جدید به پردازش و ارائه برداشت هایی نوین از آیات پرداخته است. این کتاب تفسیری در زمره کتاب های تفسیری اجتماعی و تربیتی محسوب می شود و عمده تلاش مفسر کشف

مفاهیم هدایتی قرآن در مسائل اجتماعی می باشد و هدف آن اثبات صلاحیت و کفایت دین اسلام برای راهبری زندگی انسانها است.

این تحقیق بر آن است که اندیشه همزیستی اجتماعی را در ابعاد مختلف از منظر محمد حسین فضل الله، با استناد به تفسیر «من وحی القرآن» مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. از بررسی آثار نگاشته شده پیرامون تفسیر «من وحی القرآن»، که در فصلنامه پژوهش های قرآنی^۱ منتشر شده است؛ مبرهن است که این کتاب تفسیری تاکنون، از این منظر مورد بررسی موضوعی قرار نگرفته است. از جمله مقالات پیش گفته عبارت است از: «علامه فضل الله و تفسیر قرآن به قرآن» از سید حسین هاشمی، «گرایش عقلی و اجتهادی در تفسیر قرآن» از سید محمد علی ایازی، «فضل الله و تغییر جنسیت از منظر قرآن» از سید حسین هاشمی، «جهان شناخت علمی قرآنی در داوری فضل الله» از سید عباس صالحی، «ماهیت تربیت قرآنی در نگرش فضل الله» از سید ابراهیم سجادی، «مراحل انحطاط اجتماعی بنی اسرائیل از دیدگاه فضل الله» از رامش جلیلی نجاری.

در این جستار پس از تبیین رویکرد اجتماعی در تفسیر «من وحی القرآن»، پاسخگویی به پرسش های ذیل مورد نظر قرار گرفته است:

- ۱- مبانی گرایش به همزیستی اجتماعی در اندیشه علامه فضل الله چیست؟
- ۲- علامه فضل الله بر مبنای آیات قرآنی، در چه حوزه هایی از زندگی اجتماعی، همزیستی را توصیه می نماید؟

۱. رویکرد اجتماعی در تفسیر «من وحی القرآن»

اهتمام اصلی علامه فضل الله در تفسیر «من وحی القرآن» بر زنده کردن فضای قرآنی در تمامی زمینه های زندگی فکری و عملی است و همان گونه که از عنوان تفسیر نیز بر می آید مفسر در ارتباط با کارکرد و الهام بخشی قرآن کریم دیدگاه ویژه ای دارد. از نظر وی قرآن تنها مجموعه ای از واژگان جامد و بی روح نیست؛ بلکه کتابی است که در فضا های فکری و عملی در حال حرکت است (فضل الله، ۱۳۹۹، ج ۲۴، ص ۱).

در دیدگاه فضل الله، واژه‌ها حامل الهام‌های بسیاری هستند که کاربران کلمات در طول تاریخ با آنها انس داشته‌اند؛ زیرا این الهام‌ها، افقی گسترده‌تر از آنچه در واژه‌نامه هاست بدان می‌بخشند (فضل الله، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱).

شاید به ندرت بتوان مجموعه‌ای از آیات مورد بحث در تفسیر من وحی القرآن را یافت که در میانه یا پایان آن، اقدام به استخراج پیامهایی برای بهبود و اصلاح زندگی عملی مسلمانان نشده باشد. علامه فضل الله این قبیل درسها و پیامها را با عناوینی همچون: «من وحی الآيات، الإیحاءات و الدروس، ما نستوحیه من الآیه، استفادات عملیه من وحی ما تقدم، من وحی الآیه فی حركة الحاضر و المستقبل و...» مشخص می‌کند. ایحاء در کلام فضل الله بدین معناست که همان‌سان که وحی در صدر نزول، داده‌های معرفتی و عملی خاصی برای مردم آن روزگار داشته؛ در گذار زمان و متناسب با درک مردمان در هر عصری، داده‌های راهبردی ویژه‌ای دارد (فضل الله، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۵). او معتقد است به موازات تغییر و تحول اوضاع و احوال جوامع، دریافت‌های افراد از آیات قرآن در حال نو شدن می‌باشد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۷؛ فضل الله، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۵۳).

فضل الله اذعان داشته که قرآن را در جریان حرکت‌های فکری، سیاسی و اجتماعی به صورت تدریجی درک نموده است (عظیمی، ۱۳۷۰، ش ۱، ص ۷۹). به صراحت می‌توان اذعان داشت مفسر این ایده را در تفسیر آیات قرآن به منصفه ظهور رسانیده است. وی می‌کوشد به فراخور موضوع، نکات و ظرائف مسائل اجتماعی را در دسترس مخاطبان قرار دهد. بر این مبنا، هر جا که مجال را مناسب یافته به طرح اندیشه‌های اجتماعی موجود در جامعه پرداخته و با ارائه دیدگاه اسلام در این باره کوشیده تا کارآمدی اسلام را بنمایاند. بحث از آزادی، جایگاه علم در اسلام، موضوعات مربوط به حقوق زن، مباحث مرتبط با دیدگاه اقتصادی اسلام، تأکید بر وحدت اسلامی و نظایر آن از جمله مباحث اجتماعی پر بسامد در این کتاب تفسیری است.

به نظر می‌آید دلیل جانب‌داری فضل الله از رویکرد اجتماعی در تفسیر آیات قرآنی، نوع تلقی وی از گستره دین باشد. علامه فضل الله دین را اصول عملی و باورهایی می‌داند که پای‌بندی بدان سعادت حقیقی انسان را دربر دارد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۳۲).

وی گستره دین را به فراخنای گستره روابط اجتماعی و فردی انسان تلقی می نماید و معتقد است شریعت، راه حل عادلانه تمام مشکلات برای قرار گرفتن زندگی اجتماعی انسان در مسیر درست را عهده دار می باشد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۴۶). به عقیده او، وحی در اموری که عقل از اقامه دلیل ناتوان است و یا در ورطه شبهات گرفتار شده، هدایت گر عقل می باشد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۵۴۶). وی پیرامون تبعیت از قوانین فردی و اجتماعی، در کنار عنصر عقل از قوای بازدارنده موجود در ثواب و عقاب ها یاد می کند و تعالیم وحیانی را به عنوان بازدارنده ای معنوی از ورود به مسیرهای انحرافی موجود در جامعه قلمداد می نماید (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۲۹).

بر این مبنا می توان گفت فضل الله بر این باور است که دین در قالب رویکردی حداکثری، به تمامی سوالات مربوط به زندگی فردی و اجتماعی بشر پاسخ داده و با روش مراجعه به قرآن و سنت و بهره گیری از عقل می توان به پاسخ هایی متین دست یافت. در این دیدگاه دین، ابزاری جهت کسب شناخت اجتماعی توسط انسان است، زیرا دسترسی به ابعاد معنوی هستی تنها با حس و مشاهده تجربی امکان پذیر نمی باشد، بلکه نیازمند ابزاری متعالی و متناسب با خویش است. دین به مدد وحی که از جمله ابزارهای معرفتی محسوب می شود، به حقایق پنهان اجتماعی اشراف دارد و در فهم روابط اجتماعی و ساختارهای آن، همچنین کشف ضرورت های اجتماعی دارای نقشی محوری است.

۲. مفهوم شناسی «همزیستی»

«همزیستی»^۱ در زبان فارسی عبارت اس از: ادامه دادن به فعالیت های حیاتی (معین، ۱۳۶۱، ص ۵۱۸۲)، زندگی کردن با هم (عمید، ۱۳۵۵، ص ۱۱۱۲)، با هم زیستن دو گروه به رغم وجود تناسب بین دو گروه (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۰۸۱۷). این کلمه در زبان عربی با کلماتی همچون تصالح (سازش و کنار آمدن)، تساهل (سهل و آسان گرفتن با یکدیگر)، التعایش السلمی (زندگی مسالمت آمیز) و تسامح تداعی می شود (معلوف، ۱۳۱۷، ص ۵۴۰).

^۱ -Symbiosis, Coexistence.

معنای اصطلاحی همزیستی برگرفته از معنای لغوی آن می باشد. این اصطلاح در میان اصطلاحات علوم سیاسی بر نوعی احترام به حقوق دیگران و فیصله مسائل از طریق مذاکره دلالت دارد (آقا بخشی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۶).

به طور کلی آنچه مورد نظر فرهنگ نویسان در تبیین معنای همزیستی می باشد، نوعی تنش زدایی، تعامل دوستانه، سازواری و انطباق بر اساس اصول مشترک است. این مفهوم در زمره مفاهیم اصیل قرآنی محسوب می شود. نفی تصورات نژادپرستانه، نفی برتری های ملی و مذهبی، لزوم پیگیری روش های مسالمت جوینانه، اعتراف به حقوق اقلیت ها، سفارش به تعاون و توجه به اصول مشترک با پیروان دیگر اندیشه ها، که در آیات متعددی مورد توجه قرار گرفته، از جمله شواهدی است که به صراحت دلالت بر ضرورت توجه به اصول همزیستی اجتماعی در نگره اسلامی دارد.

۳. مبانی گرایش به همزیستی اجتماعی در اندیشه علامه فضل الله

مسئله پیش دانسته های مفسر و دخالت آن در فهم و تفسیر، یکی از مباحث مهم در مطالعات عصر حاضر محسوب می شود. امروزه کاوش در عوامل اثرگذار بر شخصیت، گرایش ها و نگرش های مفسران در فهم یک متن، برآیندهای جالب توجهی را در پی داشته و به نوعی اختلاف برداشت ها از متن واحد را سبب شناسی می نماید.

در مسیر بررسی و تحلیل آراء و نظرات مفسران، عنایت به پیش فرض ها و عوامل اثرگذار اجتماعی و فرهنگی، پرده از ابهامات بسیاری برداشته و زمینه ساماندهی یک نظام تفسیری ویژه، در حوزه زمانی و جغرافیایی خاصی را فراهم می آورد. بدون تردید دیدگاه های اجتماعی هر مفسر، برآیند تعامل پیش دانسته های اوست. اصولاً هر مفسر به تناسب مجموعه معارف پیشینی، در مواجهه با مسائل مستحدثه، استنباط می نماید.

بررسی فضای اجتماعی شکل گیری اندیشه همزیستی در نظام فکری علامه فضل الله گویای این واقعیت است که ایشان در کشور لبنان که به تنوع ادیان، طوایف، احزاب و اندیشه ها شهرت دارد، نشو و نما یافت. این کشور در ساحل مدیترانه واقع شده و در طول تاریخ بستر تولد و شکل گیری و رشد اکثر تمدن های تاریخ بشری بوده که در سراسر

خاورمیانه حضور و بالندگی داشته‌اند. لبنان در طول تاریخ پناهمگاهی برای اقلیت‌های مذهبی حاضر در سرزمین‌های همسایه بوده است. فرقه‌گرایی، نمایانگر ساخت جامعه لبنان است. این امر ضمن آنکه یک واقعیت اجتماعی است، جوهره سیستم سیاسی لبنان را نیز تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر ساخت سنتی قدرت سیاسی در لبنان بر اساس توازن فرقه‌ای استوار است. به این معنا که مجموع اراده‌هایی که حاکمیت دولت لبنان را پدید می‌آورند، حاصل خواست و تمایل رهبران فرقه‌ها که قدرتمندان سیاسی و اقتصادی جامعه لبنان هستند، می‌باشد. طبیعتاً ساخت فرقه‌ای جامعه لبنان تأثیراتی بر زندگی اجتماعی آن کشور دارد. (معینی آرائی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۹-۲۱۲)

وجود کانون‌های مختلف فکری و حلقه‌های حوزوی مروج تشیع، همچنین مهاجرت علمای شیعه به لبنان، در زمینه‌سازی، پیدایی و انفتاح فکری اندیشمندان لبنانی بسیار اثرگذار بوده است. تنوع مذهبی و امتزاج میان مسلک‌ها در لبنان همراه با فرهنگ گفت و گو، تسامح و تساهل در رفتار و تعامل انسان‌ها قابل توجه است که در کمتر جامعه شیعی نشینی سبقت دارد. (تبرائیان، ۱۳۸۰، ص ۱۶)

علاوه بر این، شاکله اجتماعی لبنان به سبب گوناگونی ادیان و طوایف و حتی نژادها و همزیستی و تعامل میان آنها، بر آزادی و گفتگو و احترام متقابل و به رسمیت شناختن دیگری بنیان یافته است. لذا لبنان نه تنها بستر همزیستی ادیان و مشارکت و همفکری همه پیروان ادیان با یکدیگر بوده است، بلکه در صد سال اخیر، تمامی اندیشه‌های فلسفی و رویکردهای سیاسی و جنبش‌های فکری و ادبی و هنری جهان در آن حضور یافته و فعالیت کرده‌اند.

این ویژگی‌ها و مختصات کم‌نظیر و گاه بی‌نظیر لبنان سبب گردید تلاش برای اثبات توانایی و قابلیت اسلام در پاسخگویی به نیازها و مقتضیات زمانی و مکانی افزون گردد. لازمه چنین امری، شناخت مناسب از جامعه خود و جهان، آگاهی از نیازها و مسائل و مشکلات مردم، اعتقاد وجودی به گفت و گو و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر ادیان، حضور و مشارکت فعال در کنار رهبران روحانی ادیان دیگر برای ترسیم سرنوشت کشور است.

علامه فضل الله با انگیزه رشد و ارتقای فرهنگ دینی به تحصیل علوم دینی روی آورد سپس به نجف رفته و تمام همت خود را صرف آموختن علوم و معارف اسلامی نمود. در آن زمان به جدایی دین از سیاست و لزوم پرهیز روحانیون از فعالیت اجتماعی اعتقاد داشت و از ورود به حوادث سیاسی آن زمان عراق و لبنان خودداری می کرد و تمام وقت خود را به یادگیری علوم اسلامی اختصاص داد. پس از بازگشت به لبنان، رویه خود را مبنی بر پرهیز از فعالیت های اجتماعی ادامه داد.

حتی گاهی از فعالیت های اجتماعی امام موسی صدر که رهبری طایفه شیعه را بر عهده داشت و موفق به تأسیس مجلس اعلاى شیعه شده بود، انتقاداتی می کرد. جنگ داخلی لبنان، مشکلات آوارگان و سازمان های فلسطینی، تحولات منطقه، گسترش تجاوزات اسرائیل به کشورهای اسلامی، تفرقه میان کشورهای اسلامی از یک سو و نیز افزایش سیطره و فریبندگی مکاتب فکری فلسفی مادی گرایانه و مارکسیستی و اومانیستی همزمان شد. وی با سرعت به میدان چالش های لبنان وارد شد و فعالیت های اجتماعی خود را به مدد دانشی که آموخته بود، آغاز کرد و راه نواندیشی دینی را که با حال و هوای لبنان سازگارتر بود، برگزید (مجموعه المؤلفین، ۲۰۱۰م، ص ۲۱-۴۰)

از بررسی مجلدات تفسیری «من وحی القرآن» چنین برداشت می شود که به دلیل وجود دو مبنای فکری خاص، نسبت به موضوع همزیستی اجتماعی، نسبت به مفسرانی همچون علامه طباطبایی که بدین مبانی باور نداشته اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۹۲؛ ج ۵، ص ۲۰۴)، دیدگاهی توسعه گرایانه و انفتاحی اتخاذ شده است. مبانی مذکور به شرح ذیل است:

۳-۱. مدارا میان ادیان

یکی از تجلی های تنوع در جهان معاصر، گوناگونی گرایش های دینی و مذهبی است. هر یک از ادیان دارای باورها و خاستگاه های گوناگونی هستند و نسبت به دیگر ادیان پرسشهای بنیادینی مطرح می کنند. در این عرصه مفهوم رواداری و مدارا، نوعی از ارتباط با ناهمکیشان است و در ساحت های گوناگونی مصداق می یابد. این مفهوم با

سستی کردن و تساهل ناهمگون است؛ زیرا نوعی تعامل آگاهانه با گونه گونی و اختلاف، در عین قدرت بر دخالت و منع کردن می باشد (بیات، ۱۳۸۱، ص ۲۱۵). بطور کلی در نگرگاه قرآن کریم، مدارا و نیک زیستی با پیروان ادیان آسمانی و حتی کافران و مشرکان، موضوعی پذیرفته شده است و عدالت پیشگی و مهرورزی، فرمانی عام در تعامل با تمامی انسانهاست.

زیستن در قلمروی جغرافیایی لبنان که تكثر ادیان تا حدودی بیشتر از دیگر کشورهای عرب زبان نمود داشته، سبب سیطره مدارا در ساحت فکری فضل الله شده است. فضل الله تقریب مذاهب اسلامی را به مثابه تلاشی فرهنگی برای نشان دادن تنوع فکری، کلامی، تاریخی و فقهی و مبنایی علمی برای فهم مشترک و تأکید بر مواضع اصولی مشترک می داند. از منظر وی حرکت های تقریبی، نقش مهمی در تبیین رویکردهای فکری و ایجاد همگرایی در عناصر فکری آن دارد و انگاره های تکفیری را از ساحت نهادهای دینی دور نموده و امنیت سیاسی را برقرار می کند. فضل الله برای تحقق این هدف، آشنایی با شیوه گفتگو در قرآن را ضروری می داند، زیرا این روش قرآنی اوج واقع گرایی عقلانی است که در آن طرف مقابل گفت و گو محترم شمرده می شود و طرفین بحث را از دایره خود بیرون می برد و به آفاق اندیشه می کشاند. تمرکز بر این شیوه حتی موجب دستیابی به نقاط مشترکی میان پیروان ادیان با کسانی که به هیچ دینی باور ندارند، می شود (علیزاده، ۱۳۸۹، ص ۵۷، ص ۷۴).

۲-۳. هم گرایی اقوام

تنوع قومیتی به عنوان یک پدیده تاریخی و اجتماعی، با جغرافیای سیاسی کشور لبنان پیوند خورده است. لبنان نیز همچون دیگر جوامع چند قومیتی در برابر جهانی سازی که فرآیند دنیای امروز به شمار می رود، همواره با تهدیدهایی مواجه بوده است. در این میان رهبران ملی و مذهبی با اتخاذ رویه هایی مدبرانه، نوع تعامل با اقوام را سامان داده و از بروز تحولات بحران ساز کاسته اند.

همگرایی به معنای پذیرش تنوع و تکثر اقوام و حرمت نهادن به ویژگی های خاص در جامعه با هدف رسیدن به غایت های واحد ملی است. به عبارت دیگر همگرایی بیانگر شرایطی است که در آن، واحدهای مختلف با حذف عوامل اختلاف برانگیز و تعصبات گروهی به نفع اهداف جمعی و منافع مشترک تا حد بسیاری بر مشترکات تمرکز داشته باشند. (کاظمی، ۱۳۷۰، ص ۳)

شاید بتوان گفت همگرایی در قالب جوامعی که فراتر از گفتمان های دینی به تدبیر نظام سیاسی خود می پردازند و تحت عنوان حکومت های سکولار از آنها یاد می شود؛ بیش از دیگر حکومت ها فرصت ظهور و بروز یافته است. به تعبیری دلیل این امر در کنار گذاشتن قیدهای دینی، نژادی و جنسیتی در مرحله تقنین و اجراست و اصطلاحاً بر اساس اعلامیه حقوق بشر به انسان و مسائل مربوط به او نگریسته می شود و تمامی شهروندان از آزادی های شناخته شده ای برخوردارند (علی بابایی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۳۲).

غلبه اندیشه همگرایی میان اقوام در فرازهای بسیاری از سخنان فضل الله هویداست. وی با ردّ تاثیرگذاری خصوصیات شخصی انسان ها در پیمایش درجات کمالی، صرفاً عمل مطابق مسئولیت دنیوی و اخروی را میزان ارزش گذاری اسلامی و سبب تمایز انسان ها بر یکدیگر می شمرد. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۱۶۱) او در تفسیر آیه «فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» (آل عمران: ۱۹۵) نیز تلاش در مسیر عمل صالح را معیار تقدم و تاخر مرتبه انسانی می داند و صحت هرگونه برتری جویی جنسیتی و قومیتی را نفی می کند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۴۵۹-۴۶۰).

از منظر وی، بر مبنای برهان ابطال سلطه طلبی در قرآن، از آنجا که همه انسان ها از حقیقتی واحد برخوردار هستند، پس وجهی برای ترجیح کسی بر دیگری نیست مگر اینکه به همان مقدار که خواسته و اراده فردی مورد توجه است، خواسته و اراده دیگران نیز مورد عنایت قرار گیرد و نظام اجتماعی بتواند استقرار پیدا کند. در این نگرش برابری حقیقی، برابری در آفرینش، برابری در جوهره انسانیت و برابری در امکان رشد و تکامل است و بحث تبعیض نژادی، تبعیض طبقاتی، تبعیض جنسیتی و قومیتی نفی می شود (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۴۵۹-۴۶۰).

۴. حوزه های همزیستی اجتماعی در دیدگاه علامه فضل الله

همزیستی اجتماعی از منظر علامه فضل الله، در سه حوزه قابل تقسیم بندی است:

۴-۱. تعامل فردی

استخراج دیدگاه فضل الله نسبت به نحوه همزیستی اجتماعی در حوزه تعاملات محدود و میان فردی از طریق رصد تفسیر آیات قرآنی که پیرامون آزادی عقیده و آزادی اندیشه می باشد، امکان پذیر می شود. به عقیده فضل الله خداوند متعال انسان را آزاد آفرید و عقل و قلب او را مقید به قیدی نساخت. آزادی انسان همان انسانیت اوست، لذا چنانچه آزادی او سلب شود، انسانیت او به مخاطره افتاده است. بر این مبنا در آیین اسلام هر گونه انفعال در حیظه عقیدتی نفی شده است (فضل الله، ۱۹۷۸، ص ۶۹-۷۷).

فضل الله آزادی را مفهومی نمی داند که به سادگی بتوان در هر جایگاهی مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا انصاف به این مفهوم، مستلزم آن است که انسان بر نفس خویشتن مسلط باشد و مسئولیت مواجهه با تمامی امیال طغیان گر را بر عهده بگیرد. او بر ضرورت ارزش گذاری بر مقوله آزادی در تعلیم و تربیت نسل جوان تاکید می نماید و آزادی را کلید پیشرفت جوامع و امت ها می داند. به عقیده او همگان باید در مسیر تفکر آزاد باشند و حتی افکار اشتباه و منحرفانه مطرح و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. او با استناد به آیه «يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (النحل: ۱۱۱)، از این اندیشه جانبداری می کند که انسان ها حتی در برابر پروردگارشان دارای آزادی هستند و باید درباره افکار و اعمالی که در دنیا داشته اند، با خداوند مجادله نمایند.

از کلام فضل الله چنین برداشت می شود که آزادی مفهومی ملازم با مسئولیت است و مستلزم وجود اندیشه هایی آگاه، مهیا برای گفتمان و میرا از هر گونه جمود فکری است. شایان ذکر است افق آزادی از دیدگاه او با نظر به ارزش های متعالی اخلاقی ترسیم می شود و ضمن حدود و ضوابطی همچون عدم برانگیختن دیگران و پرهیز از توهین به معتقدات مخاطبان، قطع نظر از صحت و حقایق باورهای ایشان، معنا می یابد. فضل الله در

یکی از آثارش مفهوم آزادی در اسلام را ممزوجی از آزادی و التزام دانسته و تاکید می کند که آزادی اسلامی نه آزادی مطلق و نه التزام و تحجر مطلق است (فضل الله، ۲۰۰۲، ص ۱۱۸). از نظر وی در اسلام اندیشه و عمل اساس توازن اجتماعی است (فضل الله، ۲۰۰۲، ص ۱۲۰).

علامه فضل الله، آیه نفی اکراه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (البقره: ۲۵۶) را به معنای نفی اکراه از طریق دادن فرصت انتخاب به انسان براساس براهین حق موجود در دین و ادله باطل موجود در کفر دانسته و برگزیدن کفر را نوعی بکارگیری آگاهانه موهبت الهی در مسیری ناهماهنگ با جهان هستی و اراده حاکم بر آن می شمرد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۴۵-۴۶).

از نظر گاه وی، ساحت اندیشه انسان ها آزاد است و چنانچه مقدمه ایمان که همان شناخت، گرایش و اقناع می باشد، در فرد فراهم گردد، ایمان محقق خواهد شد. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۳۷۰) لذا غرض اصلی پیامبران از دعوت، به دور از هرگونه سخت گیری و سلب آزادی، صرفاً اقناع فکری مخاطبان در جهت اهداف رسالت و جلب رضایت الهی است (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۱۱۹).

به عقیده او مسأله آزادی در حیطه اعتقادات انسان یک قضیه قطعی در اسلام می باشد و انسان در این مسیر نیازمند اقناع، اقتناع، سخن گفتن و فضایی است که مقدمه گفتگوی ایجابی را فراهم کند. انسان در برخورد با سؤالهایی که در او بوجود می آید، دارای آزادی کامل است تا جوابهای کامل و قاطع خود را از کسانی که به امر دعوت و زمینه های فکری آن مشغول هستند، دریافت کند تا امری مبهم که موجب حیرت و دغدغه گردد، وجود نداشته باشد، زیرا خداوند خواهان این است که در حیطه معرفت و شناخت و ایمان، حجت بر بندگان تمام شود (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۳۰-۳۱).

۴-۲. تعامل دینی

یکی دیگر از حوزه های که دلالت مستقیمی بر سیطره دیدگاه همزیستی اجتماعی بر اندیشه علامه فضل الله دارد، تفسیر آیات مرتبط با نحوه تعامل با پیروان دیگر ادیان است. از

نظر فضل الله به دلیل آنکه در اصطلاح قرآنی احکام مشرکان و اهل کتاب کاملاً مجزا و متفاوت است، آنان را مصداق وصف مشرک نمی داند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۳۷-۲۳۸). او برای ایمان جایگاه قابل توجهی قائل است و صرف ایمان داشتن را حلقه اتصال فکری، قلبی و رفتاری انسان ها می شمرد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۳۱۳-۳۱۴).

وی مفاهیم انجیل را در ارتباط کامل با حقایق اسلام می داند و با استناد به آیه «وَ لِيَحْكُمَ أَهْلُ الْأَنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (المائده: ۴۷) منسوخ شدن احکام انجیل در این آیه را ظاهر و معلوم نمی داند؛ بویژه آنکه مضمون آیه متضمن جزئیات شریعت نمی باشد بلکه حاوی اخلاق و اصول و ارزش های کلی در بعد روحی و انسانی است. بنابراین از نظر وی هیچ مانعی از عدم توجه و گرایش قرآن به انجیل موجود نیست، چرا که انجیل با آنچه که قرآن بدان امر کرده دارای اشتراک می باشد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۱۹۶).

فضل الله به جایگاه شریعت یهودیان و نصرانی ها در مقابل شریعت اسلام پرداخته و بیان می دارد دین - در رسالت الهی واحد و با وجود تنوع - قصد ندارد خود را ابزاری برای تأکید انقسام تاریخی و دینی قرار دهد، امری که سبب تبدیل پیروان ادیان مختلف به گروه هایی مجزا شود که هیچ یک در مقابل دیگری مسؤولیتی ندارد؛ بلکه قصد دارد تا با وحدت بخشی به نظام انسانی در هر مرحله زمانی و جغرافیایی او را به سوی رسالت الهی رهنمون سازد.

بر این اساس هیچ گونه نسخ و الغایی از جانب یک رسالت و شریعت در مقابل رسالت های دیگر یافت نمی شود، بلکه هر رسالت، امتداد رسالت پیشین است و اگر سخن از نسخی باشد، شامل تمامی جنبه های شریعت قبلی نمی شود و تنها برخی از احکام آن را دربر می گیرد. وقوع این نوع نسخ نیز همانند نسخی است که در داخل هر دین امکان پذیر می باشد؛ مانند تغییر قبله از بیت المقدس به سوی خانه کعبه. بنابراین انجیل سبب منسوخ شدن تورات نگردید، قرآن نیز سبب منسوخ شدن تورات و انجیل نشده است (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۰۰-۲۰۱).

فضل الله در تفسیر «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ» (آل عمران: ۱۹) بر لزوم انفتاح رویه در مقابل پیروان ادیان آسمانی تاکید می نماید و اسلام را صفت تمامی ادیانی می داند که در هر مرحله تاریخی به شکلی تجلی یافته است. به نظر او دلیل اساسی جدایی بین ادیان و مذاهب، عدم اتخاذ رویه انفتاحی و اعمال تعصب و رزی های کورکورانه بوده است (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۲۷۴-۲۷۶).

بدین ترتیب فضل الله با استناد به آیات، مسلمانان را به اتخاذ رفتار منصفانه در تمامی موضوعات مادی و معنوی با اهل کتاب فرا می خواند. از نظر وی این رویه، ابزاری کارآمد در مسیر دعوت به اسلام می باشد. فضل الله از این آیه لزوم پیگیری رویکردهای انفتاحی با غیر مسلمانان را حتی در سطوح بین المللی برداشت می کند و برقراری روابط انسانی، سیاسی و اقتصادی بدون مرز را نوعی برقراری عدل و توازن در جهت گیری های مسلمانان تلقی می نماید. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲۲، ص ۱۵۶-۱۵۸).

فضل الله در زمینه نجاست یا طهارت اهل کتاب به خصوصیت سماحت در قانونگذاری اسلامی اشاره می کند و استدلال می کند؛ از آنجایی که اسلام آیینی است که اقتضائات طبیعی و فطری انسانی را به رسمیت شناخته، به موجب آیه «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ» (المائدة: ۵)، آشکارا، طهارت طعامی را که مستقیماً با بدن اهل کتاب تماس داشته اعلام شده است.

او به تقابل روایاتی که مراد از طعام را دانه ها و مانند آن می داند و در مقابل روایاتی که طعام را به ذبیحه اهل کتاب بازمی گرداند، اشاراتی می نماید؛ اما در نهایت نتیجه می گیرد؛ از آنجایی که موضوع خرید و فروش دانه ها میان اهل کتاب و مسلمانان، پیش از نزول این آیه نیز امری حرام در تعامل با آنها شمرده نمی شده، پس قطعاً در این آیه غرض، رخصت دهی به مسلمانان در موضوع حلیت استفاده از غذای پخته شده توسط اهل کتاب می باشد. او خود را از جمله فقهایی می داند که به طهارت ذاتی اهل کتاب پایبند هستند و مطابق حکم فقهی طهارت تمامی انسانها، اهل کتاب را پاک می دانند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۵۴-۵۵).

فضل الله این آیه را از جمله مستندات تاکید قرآن کریم بر شیوه اندیشه ورزی و گفتگوی اهل ایمان بر می شمرد. فضل الله انسان با ایمان را برخوردار از آزادی فکری و مبرا از روحیه جمود در برابر سایر دیدگاه ها می داند و در مقابل انسان گمراه از پذیرش هر گونه دیدگاه متفاوتی امتناع می ورزد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۲۰-۳۲۴).

فضل الله در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا» (التوبه: ۲۸) نیز به آلودگی معنوی مشرکان پرداخته و شرک را مانعی در مسیر پویایی حیات فکری انسانها محسوب می کند. او به اختلاف دیدگاه فقها پیرامون انحصار دلالت واژه (نجس) بر نجاست معنوی و یا عمومیت دلالت بر نجاست مادی و معنوی اشاراتی می نماید و در نهایت تمایل خود به آراء فقهایی که نجاست مشرکان را صرفاً نجاست روحی و معنوی می دانند، مطرح می نماید. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۷۰-۷۱)

۴-۳. تعامل بین المللی

فضل الله معتقد است برای مواجهه با حملات مخالفان و طرد قوای تجاوزگران که مانع سیر حق و حقیقت در مسیر دعوت به ایمان هستند، چاره ای جز تجهیز قوا نیست؛ چرا که روش مدارا و گفتمان در مقابل کسانی که به کارآمدی این روش اذعان ندارند و از انواع فشارهای مادی برای سیطره یافتن بر دیگران استفاده می کنند، سودی ندارد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۴۰۸).

به عقیده او بدین سبب خداوند از مومنین خواسته است تا از جهت نیروی نظامی به هرگونه امکانات مادی مجهز شوند. لذا جایز نیست در این مسیر از هیچ گونه تلاشی دریغ کنند، چرا که این امر پایه مستحکمی است که توانمندی پیروزی مسلمانان در آینده بر آن بنا خواهد شد و مقابله به مثل را میسر می نماید. او ضمن تاکید بر ضرورت آمادگی تک تک افراد جامعه در تمامی ابعادی که یک امت برای پیشرفت بدان نیازمند است و موجب استقلال و دستیابی به برتری راستین می شود؛ بیان می کند وجود وابستگی هارا محدود

کننده آزادی ملت مسلمان در جامعه بین المللی می شمرد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۴۱۰).

البته او در روابط بین المللی، صلح را دارای اصالت می داند و می گوید: «چنانچه عرصه صلح و گفتگو فراهم آمد، اسلام پس از تحلیل و بررسی شرایط عصری از درخواست صلح استقبال می کند» (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۴۱۰).

او پیرامون دلیل جانبداری از صلح می نویسد: «جنگ در اسلام یک عقده نیست، بلکه یک قاعده فکری در سطح مصلحت انسان و زندگی است. جنگ فقط وسیله ای برای بازگرداندن توازن به میدان است و هنگامی که کفر مانع از آن می شود تا ایمان آزادانه دعوت خویش به سوی خداوند را انجام دهد، جنگ راهی است که مسلمانان برای بازگرداندن آزادی از آن استفاده می کنند. اما اگر دیگران بخواهند صفحه جدیدی را برای صلح باز کنند و زمینه را برای گفتگو با مسلمانان فراهم سازند تا نبرد در سطح افکار و اندیشه ها روی دهد، اسلام از این فکر استقبال می کند و درب را به روی گفتگو و صلح می گشاید. البته بررسی شرایط، فضا و دستاوردها بر اساس زمان حاضر و آینده الزامی است تا این مساله یک خدعه و نیرنگ برای مخفی شدن دشمن در ورای کلمه صلح و آماده شدن برای هجوم قوی تری در آینده نباشد.» (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۴۱۱)

از منظر فضل الله این رویکرد، با طبیعت «جهاد» که اسلام آن را بر علیه شرک اعلام کرده، همسوتر است؛ زیرا جنگ دائما برخورد در میدان مبارزه و تحریم روابط نیست و چه بسا جنگ نیازمند روش هایی آشتی جویانه است که گاهی نتایج ایجابی را به دنبال دارد و چه بسا نبرد مسلحانه آن دستاوردها را برای اسلام به بار نمی آورد. در بسیاری از شرایط، جنگ فکری و سیاسی، قدرت افزونتری را برای مسلمانان به دنبال خواهد داشت و در آن شرایط، جنگ نظامی، باعث ایجاد خطر و تهدید برای اسلام و مسلمین شود. وی در قالب استفهام انکاری بیان می کند: «پس چگونه می شود که یک شریعت فراگیر، جنگ دائمی بر علیه مشرکان را اعلام کند؛ در حالیکه که اسلام دین دعوتگری است و ناگزیر باید اساس اتخاذ هر رویه ای، مصلحت اسلام باشد.» (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۳۱-۳۴)

شایان ذکر است، همزیستی اجتماعی در حوزه فردی، دینی و بین المللی با این مختصات و توسعه معنایی، نباید زعم گرایش به تساهل و تسامح را در ذهن مخاطبان تداعی نماید، چرا که تمایل به تساهل و تسامح بعضاً دستاویز تعالیم نادرستی همچون نفی کفرستیزی، مداهنه با مخالفان حق قرار گرفته؛ حال آنکه سهل انگاری در برابر باطل به هر شکلی در فرهنگ قرآنی مذموم و نکوهش شده است. علامه فضل الله به دلیل آنکه در فضای اجتماعی - فرقه ای لبنان می زیسته و در این عرصه، با هدف تبلیغ و توسعه مضاعف، روش گفتمان را کارآمدترین روش اسلامی بر می شمرد، تا بدانجا که ملقب به لقب «رجل الحوار» (مرد گفتگو) گردید و در تفسیر آیات مرتبط با موضوع همزیستی اجتماعی با نگرشی کاملاً انفتاحی و توسعه گرایانه عمل نموده است.

نتیجه گیری

همزیستی اجتماعی به معنای تعامل دوستانه، سازگاری و انطباق بر اساس اصول مشترک در عرصه اجتماع می باشد. علامه محمد حسین فضل الله که از جمله اندیشمندان معاصر در حیطه مباحث قرآنی و فقهی و برخواسته از ساخت فرقه ای جامعه لبنان محسوب می باشد، به سبب گرایش به دو موضوع همگرایی اقوام و مدارا میان ادیان، در سه حوزه تعاملات فردی، دینی و بین المللی به نحو معناداری قائل به لزوم همزیستی اجتماعی است.

منابع

- قرآن کریم.
- آقا بخشی، علی (۱۳۶۳)، **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران: تندر.
- امین، محمد (۱۳۷۶)، **پیشگاهان مسلمان تجددگرایی در عصر جدید**، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیات، عبد الرسول و دیگران (۱۳۸۱)، **فرهنگ واژه ها**، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- تبرائیان، صفاء الدین (۱۳۸۰)، «ویژگی علما و شیعیان لبنان در گفتگو با آیه الله فضل الله»، **صدای عدالت**.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، **نعت نامه دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران.
- روآ، الیویه (۱۳۷۸)، **تجربه اسلام سیاسی**، ترجمه محسن مدیر شانه چی و امین مطیعی، تهران: انتشارات بین المللی هدی.
- سیاوشی، کرم (۱۳۹۰)، «من وحی القرآن تفسیری با رویکرد تربیتی و عصری»، **تحقیقات قرآن و حدیث**، سال هشتم، شماره ۱.
- خدوری، مجید (۱۳۶۶)، **گرایش های سیاسی در جهان عرب**، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- صبحی الخضر الحمصی، مصطفی؛ خلیل جعفر، مهدی (۲۰۱۰م)، **آیه الله السید محمد حسین فضل الله شمس لن تعیب**، بیروت: دار المحجة البيضاء.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات حوزه علمیه.
- عظیمی، محمد جواد (۱۳۷۰)، «گفتگو با استاد محمد حسین فضل الله»، **آیین پژوهش**، سال ۲، شماره ۱.
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹)، **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران: نشر ویسی.
- علیزاده، قدرت الله (۱۳۸۹)، **هفته نامه سیاسی اجتماعی پنجره**، سال ۲، ش ۵۷.
- عمید، حسن (۱۳۵۵)، **فرهنگ عمید**، تهران: جاویدان.
- فضل الله، سید محمد حسین (۱۳۸۱)، «ثابت و متغیر در فهم قرآن؛ گفتگو با علامه فضل الله»، **پژوهشهای قرآنی**، ش ۴۴.
- _____ (۱۴۱۹)، **تفسیر من وحی القرآن**، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- _____ (۲۰۰۲)، **الاسلام و منطق القوة**، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- _____ (۱۹۷۸)، **مفاهیم اسلامیة عامة من محاضرات السید محمد حسین فضل الله**، الحلقة السادسة، بیروت: دار الاضواء.
- _____ (۱۴۱۸)، **الندوة**، بیروت: عادل قاضی.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰)، **نظریه همگرایی در روابط بین الملل**، تهران: نشر قومس.
- مجموعه المؤلفین؛ (۲۰۱۰م)، **محمد حسین فضل الله العقلانیة و الحوار من أجل التغبیر و النهضة**، الاخراج: محمد حمدان، بیروت: مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی.
- معلوف، لویس (۱۳۶۷)، **المنجد**، تهران: اسماعیلیان.

- معین، محمد (۱۳۶۱)، **فرهنگ معین**، تهران: امیر کبیر.
- معینی آرانی، مصطفی (۱۳۷۲)، **ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن**، تهران: وزارت امور خارجه.
- هاشمی، سید حسین (۱۳۸۹)، «علامه فضل الله و تفسیر قرآن به قرآن»، **پژوهشهای قرآنی**، سال ۱۶، ش ۶۴.

Archive of SID